



دومین جلسه داده‌خوانی فرهنگی اجتماعی (با محوریت مهاجرین افغانستانی) برگزار شد

دومین جلسه داده‌خوانی مهاجرت با محوریت وضعیت مهاجرین افغانستانی در ایران و مادر ایرانی‌ها به همت مرکز رصد فرهنگی کشور و اندیشکده مطالعات فرهنگ و توسعه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اندیشکده مطالعات فرهنگ و توسعه، دومین جلسه داده‌خوانی مهاجرت با محوریت وضعیت مهاجرین افغانستانی در ایران، در ۱۸ مردادماه ۱۴۰۲ به همت مرکز رصد فرهنگی کشور و اندیشکده فرهنگ و توسعه در خانه اندیشه‌ورزان برگزار شد. در این نشست کمیل قیدرلو، مدیر اندیشکده مطالعات فرهنگ و توسعه؛ محمد اصغری، مدیر مرکز رصد فرهنگی کشور؛ سینا شیخی، پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی و کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس؛ قمر تکاوران، پژوهشگر مرکز رصد فرهنگی کشور؛ پیمان حقیقت‌طلب، مدیر پژوهش انجمن دیاران؛ محمد وجدانی، پژوهشگر اندیشکده مطالعات فرهنگ و توسعه؛ خانم طالقانی، پژوهشگر افکارسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس؛ سیدعسکر موسوی، استاد مدعو دانشگاه علامه طباطبایی به تحلیل و بررسی داده‌های مهاجرین افغانستانی پرداختند.

در ابتدای نشست، تکاوران به خوانش داده‌ها حول محور مهاجرین افغانستانی پرداخت: در سرشماری سال ۱۳۹۵ یک میلیون ۵۸۳ هزار مهاجر افغانستانی در ایران وجود داشت. آمار سال ۲۰۲۲ مهاجرین افغانستانی که تحت حمایت کمیسریا بوده‌اند، جمعاً ۳ میلیون ۴۸۶ هزار نفر است. آخرین آمار وزارت کشور مجموع تعداد مهاجرین افغانستانی در ایران را نزدیک ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده است. همچنین آمار سازمان جهانی مهاجرت از آپریل ۲۰۲۱ تا مارچ ۲۰۲۲، نشان می‌دهد ۱ میلیون و ۶۳۴ هزار نفر از افغانستان وارد ایران شده‌اند که در همین بازه یک میلیون و ۱۹۶ هزار نفر از ایران خارج شده‌اند و به افغانستان رفته‌اند.

وی در خصوص حضور مهاجرین در دانشگاه‌ها و مدارس کشور افزود: از سال ۱۳۹۸ حضور دانشجویان خارجی در ایران رشد داشته است که مطابق آماری که سال ۱۴۰۱ منتشر شده است، در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۳۰ هزار نفر در دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند و بیشتر آن‌ها عراقی، افغانستانی و پاکستانی هستند. از این تعداد ۵۶ درصد در دانشگاه‌های وزارت علوم، ۳۹ درصد دانشگاه آزاد و حدود ۵ درصد در دانشگاه‌های وزارت بهداشت مشغول به تحصیل هستند. براساس داده‌های سال ۱۴۰۲ مرکز امور بین‌الملل وزارت آموزش و پرورش نیز ۶۷۰ هزار دانش‌آموز افغانستانی در مدارس ایران حضور دارند.

در ادامه به پاره‌ای از مشکلات دانش‌آموزان افغانستانی در ایران اشاره شد: بعضی از مشکلات ناشی از اطلاع‌رسانی دیرهنگام وزارت آموزش و پرورش برای ثبت‌نام دانش‌آموزان با برگه سرشماری بود که بسیاری از مدارس ظرفیت خود را تا قبل از آن تکمیل کردند. از سوی دیگر فشار اولیاء بر مدرسه است که برخی مدیران را از پذیرش دانش‌آموزان افغانستانی منصرف می‌کنند. نکته دیگر اینکه بعضی مدارس در برخی مناطق به مدیر مدارس افغان‌پذیر مبنی بر عدم‌پذیرش آن‌ها فشار وارد می‌کنند.

اصغری درباره انگاره‌های آماری ساخته‌شده در این خصوص گفت: برخی از تخمین‌های حضور افغانستانی‌ها در ایران بیانگر تعداد را خیلی بالاتر از اعداد رسمی اعلام می‌کنند. این اعداد انگاره‌های سرگردان حوزه داده است که

شبهه به انگاره تمایل به مهاجرت ایرانیان است که به صورت اغراق شده‌ای در میان افراد شایع شده است و زمانی که ما این ارقام را با داده‌های رسمی مقایسه می‌کنیم، کذب بودن این ادعاها ثابت می‌شود و فاصله اعداد واقعی با اعداد رایج بسیار زیاد است.

در ادامه نشست، تکاوران با خوانش داده درباره نگرش ایرانیان به مهاجرین افغانستانی افزود: آخرین داده رسمی ما پیمایش سال ۱۳۹۸ است که شهرداری تهران با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در شهر تهران انجام داده است و این داده قدیمی است و تغییرات درخور توجهی در این چندسال رخ داده است. در این پیمایش ۴۳ درصد از افراد موافق ممنوعیت ورود افغانستانی‌ها به تهران بوده‌اند. از سوی دیگر ۴۶ درصد از شهروندان موافق همسایگی با افغانستانی‌ها بوده‌اند و بیشتر مخالفین کسانی هستند که در زندگی خود مشکل جدی معیشتی دارند.

اصغری در این خصوص گفت: برخی شهرها مثل تبریز و برخی استان‌های شمالی و بعضی از شهرهای استان بوشهر به طور قانونی ورود افغانستانی‌ها ممنوع است. همچنین اصغری به پذیرش اجتماعی عمومی مردم درباره حضور افغانستانی‌ها در کشور اشاره داشت. این پذیرش ناشی از نقاط اشتراکی است که میان دو ملت در جریان است.

استاد موسوی در همین خصوص و با تأکید بر اهمیت زبان فارسی در افغانستان گفت: با وجود تفاوت قومیتی در افغانستان زبان جاری در این کشور زبان فارسی است. با وجود اینکه حکومت‌های ۱۴۰ سال اخیر در افغانستان همگی پشتون بوده‌اند، سیاست حاکمیت نخبگان نیز تأکید بر زبان پشتو و تلاش برای اهمیت مضاعف آن بود. در حالی که در میدان عمل زبان فارسی است که میان مردم رایج است. زبان فارسی نه تنها در افغانستان، بلکه در منطقه ما حکم زبان مشترک و بین‌المللی را دارد. همچنین در حال حاضر خدمات فارسی‌زبانان افغانستانی در کشورهای اروپایی برای زبان فارسی بسیار درخور توجه است.

تفاوت فرهنگی دو کشور هم زیاد نیست و فقط جایی برجسته می‌شود که بر غرور ناسیونالیستی افراد دست گذاشته شود. در همین راستا و بر اساس آمار نیز در مناطقی که تماس میان افغانستانی‌ها و ایرانیان وجود داشته است ۴۰ درصد افراد معتقدند فرهنگ میان ایران و افغانستان بسیار نزدیک است؛ این در حالی است که در مناطقی که افغانستانی‌های کمتری وجود دارد، این عدد به ۲۳ درصد کاهش می‌یابد.

تکاوران در خصوص انگاره ذهنی تفاوت نژادی میان ایرانیان و افغانستانی‌ها گفت: ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان پیمایش ۱۳۹۸ معتقد بودند که بین ایرانیان و افغانستانی‌ها تفاوت نژادی وجود دارد که ۲۷ درصد از این افراد ازدواج با افغانستانی‌ها را با آلوده شدن نژاد ایرانیان همراه می‌دانند.

قسمت دوم نشست با موضوع تابعیت فرزندان مادر ایرانی دنبال شد. در این خصوص تکاوران به توضیح شرایط تابعیت فرزندان مادر ایرانی‌ها پرداخت: تنها ۷ کشور هستند که زنان نمی‌توانند از بدو تولد تابعیت خود را به فرزندان منتقل کنند که ایران هم یکی از این ۷ کشور است. آخرین قانون قابل اجرا در خصوص تابعیت مادر ایرانی‌ها مربوط به سال ۱۳۹۸ است که مشکلاتی همراه دارد. یکی از آن‌ها این است که با وجود پذیرش ازدواج شرعی برای دریافت تابعیت در متن قانون، در آئین‌نامه اجرایی تنها ازدواج ثبتی را ملاک در نظر گرفته‌اند. همچنین در آخرین شیوه‌نامه اجرایی شرط مهلت زمانی برای دریافت استعلام از نهادهای امنیتی حذف شد و به همین خاطر بعضی از افراد نزدیک ۳ سال است که منتظر تأیید نهادهای امنیتی هستند.

محمد اصغری در این خصوص گفت: در طول ۳ سال گذشته در سیستان و بلوچستان از ۶۲ هزار درخواست تنها ۴ عدد از آن‌ها پذیرفته شده است. تبعات فرهنگی این نادیده‌انگاشتن درخور توجه است؛ زیرا ما الان با نسل سوم

فرزندان مادری ایرانی مواجه هستیم. این افزایش باعث می‌شود شما با زنجیره فربه‌شده‌ای مواجه شوید که وقتی آن‌ها را به رسمیت شناسید، دغدغه‌های امنیتی بیشتری داشته باشید. حتی در زمان تصویب و اصلاح قوانین ما شاهد موج جدی افغان‌هراسی در رسانه‌های کشور هستیم. اگر برای این مشکل چاره‌اندیشی نشود، به معضل همیشگی و معلق تبدیل خواهد شد که حتی توان سیاست‌گذاری را از ما خواهد گرفت.

تکاوران در خصوص آمار مادری ایرانی‌ها افزود: براساس تنها پیمایش در زمینه مادری ایرانی‌ها که وزارت رفاه در سال ۱۳۹۶ انجام داده است، بیشترین ملیت شوهران از افغانستان و عراق و پاکستان بوده است. همچنین بیشترین استان‌های محل سکونت مادری ایرانی‌ها خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، تهران و قم بوده است. کمتر از نیمی از این افراد موفق به اخذ شناسنامه برای فرزندان خود شده‌اند. در خصوص اجرای قانون سال ۱۳۹۸ نیز براساس آمار وزارت کشور تا پایان سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۰۹ هزار نفر در سامانه ثبت‌نام کرده‌اند که از این تعداد ۵۱ هزار نفر پرونده خود را تکمیل کرده و ثبت‌نام را نهایی کرده‌اند که از این تعداد تنها ۱۵ هزار شناسنامه صادر شده است. در استان‌های خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان که تعداد مادری ایرانی‌ها بیشتر است، روند دریافت شناسنامه کندتر است و در تهران سرعت بیشتر است.

در همین خصوص دکتر اصغری افزود: این عدد تنها برای افرادی است که تمایل داشتند در روند حاکمیتی و رسمی جمهوری اسلامی ایران شرکت کنند. ما در گزارش تابعیت مادری ایرانی‌ها سعی کردیم روایتی مردم‌نگارانه از زیست مادری ایرانی‌ها بدهیم که مشکلاتی که ناشی از عدم صدور شناسنامه و تابعیت است، بسیار جدی است و ابعاد فرهنگی جدی‌تری بر جای می‌گذارد.

شیخی در خصوص نیاز به تحلیل و تفسیر داده‌ها افزود: بسیاری از مشکلات آمارگیری‌های جدید و سنتی باعث شده در اعتبار و درستی آمار امروزه در علوم اجتماعی تشکیک شود؛ اما حتی اگر بهترین داده را به دست بیاوریم، تنها ۳۰ درصد از کار را انجام داده‌ایم. سؤال مهم‌تر این است که باید بفهمیم چرا این اتفاق افتاد و آمارها این‌طور شده است تا بتوانیم سیاست‌گذاری صحیحی داشته باشیم. برای سیاست‌گذاری باید ابتدا چند مشکل عمده را لحاظ کنیم: اول اینکه ما توان بستن مرزها را در حوزه مهاجرت نداریم. دوم، موارد منفی که برای دو طرف این ارتباط زیاد اتفاق افتاده است. همچنین در عمده مسائل بین سیاست‌گذاران ما گفت‌وگویی میان مخالفان و موافقین صورت نمی‌گیرد.

حقیقت‌طلب نیز افزود: ما باید در تصمیم‌ها و تحلیل خود نقاط بحرانی را لحاظ کنیم. بسیاری از مواردی که رسانه‌ای می‌شوند نیز درباره همین نقاط بحرانی است. همچنین مرکز رصد امکان انتشار نتایج داده‌های روندی را دارد تا بتوانیم با توجه به اتفاقات در طول زمان داده‌های مختلف را مقایسه و بررسی کنیم.

طالقانی بیان داشت: آمارهای ما در مرکز پژوهش‌های مجلس نیز با این موارد مشابهت زیادی داشت، برای مثال ما انتظار داشتیم در مناطقی که تعداد افغانستانی‌ها بیشتر است و تماس و ارتباط بیشتری برقرار می‌شود، نگرش منفی‌تر باشد؛ اما ما رابطه معناداری در این خصوص نیافتیم. بیشترین نگرانی ایرانیان از حضور افغانستانی‌ها در کشور در خصوص اشتغال و وضعیت مالی است.

وجدانی در خصوص اهمیت داده‌های اقتصادی گفت: بیشتر آمارهای مطرح‌شده در حوزه مهاجرین جنبه فرهنگی و اجتماعی داشت؛ اما ضرورت دارد به آمارهای اقتصادی به خصوص داده‌های بازار کار و اشتغال توجه شود. به‌عنوان نمونه برخی آمارها بیان می‌دارند که چند درصد از بازار کار ایران به نیروهای افغانستانی اختصاص دارد که منبع مشخصی ندارد؛ اما اگر این مورد و موارد اقتصادی مشابه در پیمایش‌های بعدی به صورت دقیق سنجیده شود، امکان قضاوت و تصمیم‌گیری بهتری فراهم می‌شود.

در انتهای نشست دکتر اصغری، اظهار داشت: امیدواریم این بحث‌ها به بهبود شرایط برادران و خواهران افغانستانی ما منجر شود و ما بتوانیم نگاه آرمانی خود را در سطح واقع محقق‌شده ببینیم.